

نقد کتاب پزشکی قانونی برای دانشجویان رشته حقوق

ناصر قاسمی*

چکیده

پزشکی دانشی است که بشر از دیرباز ضرورت آن را در زندگی خویش پذیرفته و احساس کرده و استفاده‌های فراوانی از آن برده است. از جمله این کاربردها تلاقی پزشکی با موضوع بسیار مهم قضاوت و مسائل متنوع حقوقی و به عبارتی، پزشکی قانونی است که در اعصار کهن و تمدن‌های قدیمی مانند سومر، بابل، به‌ویژه دوران حمورابی، و میان ملت‌ها خصوصاً ایران باستان ریشه دارد و گذر زمان نیز موجب بروز تحولات قابل‌توجهی در این عرصه شده است. از شروع قرن بیستم میلادی تاکنون که علوم مختلف مانند پزشکی به رشد و شکوفایی چشم‌گیری دست یافته‌اند، پزشکی قانونی نیز هم‌راه با این پیشرفت‌ها متحول شده است و جایگاه بسیار مهمی در دو بُعد نظری و عملی در تمامی کشورها یافته است.

بهره‌مندی از این علم به‌معنای کاربرد دانش پزشکی در عرصه‌های مختلف اجتماعی، امور نظام پزشکی، و حقوق و امور قضایی است که قلمرو اخیر اهمیت بیش‌تری دارد؛ زیرا از یک‌سو، طب، قضا، قوانین، و مقررات را به یک‌دیگر پیوند داده است و از سوی دیگر، سبب ارتباط میان متخصصان گرایش‌های گوناگون پزشکی و رشته‌های وابسته با مراجع قضایی و حقوق‌دانان شده است.

پزشکی قانونی با اتکا به نظریات تخصصی و ضوابط قانونی به پرسش‌ها، ابهام‌ها، و چالش‌های مربوط به موضوعات گوناگون مدنی و جزایی درباره اشخاص و شرایط آن‌ها اعم از شاکیان، زیان‌دیدگان، و متهمان در ره‌گذر مسئولیت‌ها، خسارات، و جرائم پاسخ

* دکترای تخصصی حقوق جزا و جرم‌شناسی، استادیار پایه ۲۶ و مدیر گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران، Dr.ghasemi76@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۰۲

می‌دهد و به تشخیص مطلوب‌تر مسائل حقوقی، حوادث، و جرائم رخ داده، حقوق اشخاص و اجتماع، تقویت آگاهی‌های علمی قضات، پژوهش‌گران، و دانشجویان حقوق کمک شایانی می‌کند و در جهت انجام وظایفش گواهی‌ها و گزارش‌ها و نیز مشورت‌های مؤثر را تنظیم می‌کند و ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: پزشکی قانونی، طب و قضا، دانش حقوق و چالش‌ها، زبان‌ها و جرائم.

۱. مقدمه

دانش پزشکی قانونی مورداستفاده گسترده بخش‌های مختلف دستگاه قضایی است و در دانشگاه‌ها در مقاطع تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد، و دکتری گرایش حقوق به‌نحو اعم و حقوق جزا و جرم‌شناسی به‌طور اخص تدریس می‌شود که علت آن کاربرد تخصص‌های گوناگون پزشکی قانونی در امکان تشخیص، بررسی، و گره‌گشایی از معضلات و چالش‌های حقوقی و قضایی است؛ زیرا پزشکان قانونی در نظام‌های درمانی، بیمه، دانشگاهی، قضایی، و دیگر رشته‌های مرتبط انجام وظیفه می‌کنند و در گرایش‌های مهمی نظیر سم‌شناسی قانونی، آسیب‌شناسی قانونی، و اخلاق پزشکی خدمات قابل‌توجهی ارائه می‌کنند. به‌این ترتیب، پزشکی قانونی با تکیه بر اطلاعات تخصصی، علمی، و مهارت‌هایی که در اختیار دارد، ابهام‌ها و نقاط تاریک موضوعات مطرح‌شده و حوادث رخ داده را برطرف می‌کند. اهمیت بهره‌مندی از این دانش به‌گونه‌ای است که می‌توان گفت ارائه قضاوت درست و اجرای صحیح عدالت قضایی در موارد عدیده‌ای مستلزم استعانت از متخصصان این دانش و تطابق نظریات ابرازی پزشکان قانونی با نصوص قانونی مربوط است. از آن‌جاکه در بررسی‌های پزشکی قانونی اشخاص مختلف اعم از متهم و مجنی‌علیه، پزشک و غیرپزشک، بیمار (فیزیکی، روحی، و روانی) و غیربیمار، و نیز موضوعات و وقایع و رخداد‌های گوناگون موردتوجه قرار می‌گیرد، تنوع و گستره این دانش و اقدامات آن و استعلامات به‌عمل‌آمده نیز دایره وسیعی دارد. براین مبنای، مسائلی چون پذیرش مسئولیت مدنی و جزایی، میزان یا فقدان آن به‌لحاظ احراز یا عدم احراز بیماری‌ها، حالاتی مثل مستی و اعتیاد و تأثیرگذاری آن‌ها در رفتارها و جرائم (تشخیص قتل و مرگ و تمییز آن‌ها از هم) نوع جنایات و صدمات وارده بر اعضا و منافع مجنی‌علیه (حارصه، دامیه، متلاحمه، جائفه، نافذه، سیاهی، کبودی و سرخی، دیه عقل شنوایی، و ...) بر مبنای مواد ملحوظ در کتاب دیات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تعیین میزان دیه غیرمقدر با توجه به معیارهای یادشده در ماده ۴۴۹ این قانون و نیز با بهره‌مندی از قوانین خاص صرف‌نظر از قانون

مجازات اسلامی بررسی می‌شود. هم‌چنین، بررسی برخی دیگر از موضوعات مانند انحرافات جنسی، نوزادکشی و کودک آزاری (بررسی صحنه جرم و سلاح‌ها، وسایل، سموم و آثار به‌جامانده در آن) تقصیر و تخلف پزشکی، رازپوشی پزشک، و ... در این عرصه پی‌گیری و ارزیابی می‌شود و با نتایج به‌دست‌آمده نقش مؤثری را در صدور دستور و اتخاذ تصمیمات قضایی مناسب ایفا می‌کند و صاحب‌نظران و دانش‌پژوهان حقوق را از این توانمندی‌ها آگاه می‌سازد.

۲. معرفی کلی اثر

کتاب پزشکی قانونی (*Forensic Medicine*) تألیف دو تن از استادان صاحب‌نظر در عرصه علوم پزشکی و استاد دانشگاه است که مطالعاتی نیز در قلمرو حقوق قضایی دارند و چاپ چهارم این کتاب در تهران در ۱۳۸۶ در انتشارات سمت و آخرین چاپ آن در نوبت یازدهم در تابستان ۱۳۹۳ است. در این اثر، همان‌گونه‌که در عنوان آن تصریح شده است، مطالب در دو گستره پزشکی و حقوقی و البته با غلبه مباحث طبی طرح و ارزیابی شده‌اند. در این اثر، ریشه‌های تاریخ پزشکی قانونی در میان ملل و اقوام مختلف نظیر مصر، یونان، چین، ایران، و هند بیان شده است و از جایگاه این دانش از گذشته‌های دور تا حال سخن گفته شده است. به‌علاوه، مهم‌ترین استفاده ابزاری از این دانش در هم‌راهی با مسائل حقوقی و قضایی اعم از تشخیص بلوغ، جنون، الکل در خون (مستی)، مواد مخدر و روان‌گردان (اعتیاد)، سموم، انواع مرگ و چگونگی وقوع قتل، و علت یا علل تامه آن و نیز تعیین علت تامه یادشده در صدمات جانی ناشی از تصادفات رانندگی، میزان نوع صدمات و جراحات وارده بر اعضای اشخاص و تعیین دیات مقدر و غیرمقدر (ارش)، تشریح اجساد، و ... تبیین شده است و درباره آن‌ها دیدگاه‌های فنی و تخصصی ارائه شده است. در این اثر موضوعات طی هشت بخش با عناوین ذیل طبقه‌بندی شده‌اند:

۱. اخلاق پزشکی (*medical ethics*)، (در آخرین چاپ عنوان این بخش به «اخلاق و حقوق پزشکی» تغییر یافته است).
۲. مرگ‌شناسی (*thanatology*) و آسیب‌شناسی قانونی در مرگ‌ها؛
۳. اشکال گوناگون آسیب و مرگ و ملاحظات پزشکی قانونی؛
۴. ضرب و جرح (*assault and battery*)؛
۵. حاملگی، سقط، نوزادکشی، و کودک آزاری؛

۶. دندان‌پزشکی قانونی و روان‌پزشکی قانونی؛

۷. بررسی صحنه جرم، صدمات ناشی از سلاح‌های گرم، و انفجارات؛

۸. سم‌شناسی قانونی (legal toxicology) (انصاری ۱۳۸۰: ۱۱۹، ۱۸۰، ۲۸۵؛ حکمت ۱۳۶۹: ۲۷، ۳۳، ۸۱، ۹۷، ۱۷۹).

بخش نهم این کتاب نیز به «ضمائم» اختصاص یافته است.

تلاش نویسندگان ارجمند این اثر برای هرچه بهتر ارائه‌کردن مطالب و ایجاد بستری مناسب برای بهره‌مندی مطلوب‌تر از موضوعات و در نتیجه، فراهم‌کردن زمینه بیشتر برای کارآیی و استفاده کاربردی از مفاد کتاب توسط مراجع ذی‌ربط، به‌ویژه قضات، در فرایند تعقیب، دادرسی، و رسیدگی‌های قضایی (به‌خصوص کیفری) و نیز نشان‌دادن نقاط مثبت و منفی، مفید و زیان‌بار، مواردی از رفتارهای به‌هنجار، نابه‌هنجار، مجرمانه، و بعضاً مغایر با اصول و موازین دینی و اخلاقی شایان توجه و درخور تقدیر است؛ به‌گونه‌ای که وجود پاره‌ای از نقایص و ایرادها نمی‌تواند از ارزش‌مندی این اثر بکاهد.

۳. ارزیابی شکلی و ماهیتی اثر

۱.۳ امتیازها و موارد مثبت اثر

از جمله موارد مثبت شکلی که در کتاب وجود دارد و می‌توان از آن سخن گفت این موارد است:

۱.۱.۳ شکلی

۱. این اثر از حیث حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، صحافی، و طرح جلد مناسب و قابل قبول است؛
۲. مزین بودن به تصویر بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (قدس سره)؛
۳. حجم کتاب و مطالب مورد بحث با واحدهای درسی دانشکده‌های حقوق در مقطع کارشناسی متناسب است؛
۴. رسا بودن و روانی متن و امکان دریافت آسان اغلب مطالب برای خوانندگان و دانشجویان؛
۵. آراستن کتاب به جمله‌ای از حضرت امام خمینی (ره) از صفحه ۸۱ جلد دوازدهم صحیفه نور در ابتدای آن؛
۶. زوج بودن بخش‌های کتاب و تنظیم‌شده در فهرست مطالب.

۲.۱.۳ ماهیتی

در این کتاب نقاط مثبتی وجود دارد که به منظور ارج نهادن به زحمات نویسندگان محترم آن باید مورد توجه واقع شود. مهم‌ترین موارد عبارت‌اند از:

۱. طرح و بررسی مباحثی از پزشکی قانونی و مرتبط با حقوق کیفری که کاربرد زیادی در رسیدگی‌های جزایی دارند؛
۲. گردآوری دسته‌ای از واژه‌ها و اصطلاحات مورد نیاز و ارائه مفاهیمی از آن‌ها، به منظور فراهم کردن امکان بهره‌برداری بهتر و آسان‌تر از نصوص قانونی (به‌ویژه قانون مجازات اسلامی) و گواهی‌های پزشکی قانونی صادره در تعیین دیات مقلدّر و غیرمقلدّر (ارش)، که صرف‌نظر از مراجع قضایی، برای استادان و دانشجویان با گرایش‌های تحصیلی متفاوت، علاقه‌مندان به این بخش از مسائل علمی (حقوقی، فقهی، و پزشکی)، و ... نیز سودمند خواهد بود.

۲.۳ ایرادهای شکلی و ماهیتی اثر

۱.۲.۳ ایرادهای شکلی اثر

در این کتاب، صرف‌نظر از نقاط قوت شکلی، کاستی‌هایی نیز وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱.۱.۲.۳ ابتدای اثر

۱. اختصاص دادن عنوان کتاب به دانشجویان رشته حقوق موجه نیست، زیرا دانشجویان رشته‌های دیگر مانند پزشکی نیز می‌توانند از آن اثر بهره ببرند؛
۲. اختصاص ندادن صفحه مستقل برای آیه شریفه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ایرادی است که نمی‌توان آن را از نظر دور داشت.

۲.۱.۲.۳ فهرست مطالب

۱. در این چاپ و نیز آخرین چاپ آن میان عنوان‌های فهرست و شماره صفحات نقطه‌گذاری نشده است؛
۲. در هر دو چاپ در تنظیم ساختار فهرست از اعداد (فهرست کاربردی) استفاده نشده است؛

۳. تقسیم‌بندی بخش‌های فهرست به فصل‌ها متوازن نیست، زیرا بخش‌های اول و سوم شش فصل، بخش هشتم هفت فصل، بخش ششم چهار فصل، و بخش‌های دوم، چهارم، پنجم، و هفتم پنج فصل دارند. البته در چاپ اخیر بخش چهارم چهار فصل دارد و از فصل‌های آن در مقایسه با چاپ قبل کاسته شده است؛

۴. عنوان «کلیات» فقط در فصل اول از بخش هشتم آمده است و دیگر بخش‌ها چنین عنوانی ندارند؛

۵. برخی از فصل‌ها در بخش‌های فهرست فاقد هرگونه عنوان‌های فرعی (زیرمجموعه) هستند، مانند فصل‌های اول، چهارم، پنجم، و ششم از بخش اول، فصل ششم از بخش سوم، فصل اول در بخش چهارم، فصل سوم از بخش پنجم، فصل چهارم از بخش هفتم، و فصل دوم از بخش هشتم. هم‌چنین، در چاپ کنونی نیز فصل چهارم از بخش هفتم و فصل دوم از بخش هشتم زیرمجموعه ندارد؛

۶. مواردی از فصل‌ها و بخش‌ها که زیرمجموعه دارند از حیث تعداد این عنوان‌ها با هم بسیار تفاوت دارند. این تفاوت‌ها عبارت‌اند از:

الف) برخی فصل‌ها مانند فصل اول و چهارم بخش پنجم و فصل اول بخش هشتم یک زیرمجموعه دارند؛

ب) برخی فصل‌ها مانند فصل‌های دوم و سوم بخش اول، فصل پنجم از بخش دوم، فصل‌های اول و دوم و چهارم بخش سوم، فصل پنجم از بخش پنجم، فصل سوم از بخش هفتم، و فصل‌های سوم، چهارم، و ششم از بخش هشتم دو زیرمجموعه دارند؛

ج) دیگر فصل‌های بخش‌های این اثر، سه، چهار، پنج، شش، هفت، هشت، هفده، ۲۱، و ۲۳، عنوان‌های فرعی دارند؛

د) در نوبت چاپ اخیر، فصل‌ها یا زیرمجموعه ندارند یا چند زیرمجموعه دارند. به‌عبارت‌دیگر، توازن قابل‌قبولی از این حیث وجود ندارد؛ زیرا دامنه‌نوسان و تفاوت تعداد زیرمجموعه فصل‌ها از یک عنوان تا ۲۳ عنوان بسیار فاحش خواهد بود؛

۷. اصولاً، عنوان‌ها باید ردیف اعم‌از کلمات (گفتار، مبحث، قسمت، بند، و ...) یا حروف اعم‌از ابجد (الف، ب، ج، د، ه، و ...) یا الفبا (الف، ب، پ، ت، و ...) یا اعداد (۱، ۲، ۳، و ...) داشته باشند، درحالی‌که عنوان‌ها نه در چاپ موردنظر و نه در آخرین چاپ آن هیچ‌یک از کلمات، حروف، یا اعداد مورد اشاره را ندارند و این موضوع بدون تردید از ایرادهای قابل‌توجه شکلی به‌شمار می‌رود که مستلزم اصلاح است؛

۸. جمله بودن برخی عنوان‌ها در فهرست مطالب یکی دیگر از ایرادهاست که در عنوان‌های ردیف پنجم، یازدهم، و هجدهم فصل پنجم از بخش چهارم و عنوان‌های فصل پنجم از بخش پنجم وجود دارد که در چاپ اخیر این ایراد مرتفع شده است.

۹. در عنوان اول فصل پنجم از بخش پنجم اشکال نگارشی وجود داشت که در چاپ اخیر اصلاح شده است؛ به این ترتیب که در انتهای این عنوان به جای کلمه اشتباه «در» در چاپ مورد ارزیابی، از کلمه «برای» در چاپ فعلی استفاده شده است که با این اصلاح عملاً ایراد یادشده برطرف نشده است.

۳.۱.۲.۳ متن

مهم‌ترین اشکال‌های شکلی قابل توجه در متن این اثر عبارت‌اند از:

۱. رعایت نشدن ضابطه شروع پاراگراف در بسیاری از صفحات کتاب مانند پاراگراف اول صفحه اول، پاراگراف اول صفحه پنجم، پاراگراف دوم صفحه شانزدهم، پاراگراف دوم صفحه ۳۲، پاراگراف اول صفحه ۳۷، و به همین منوال در صفحات دیگر کتاب مانند ۴۰، ۷۹، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۸، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۹۲، ۲۹۳، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۳۴، ۳۳۵، ۴۲۱، ۴۲۲، و ۴۲۳.

این ایراد در آخرین چاپ اثر نیز در صفحات بسیاری وجود دارد که برای مثال عبارت‌اند از: صفحات ۸، ۱۸، ۲۴، ۲۵، ۸۴، ۸۵، ۱۸۹، ۱۹۰، ۲۲۰، ۲۵۶، ۳۰۹، ۳۳۲، ۳۶۶، ۳۶۷، ۴۰۰، ۴۰۱، و ۴۰۲.

۲. استفاده از کلمات و عباراتی که در نگارش‌های علمی متعارف نیست یا ممکن است به‌ندرت از آن‌ها استفاده شود، مانند:

«بسیار بسیار گسترده» در سطر ۲۲ صفحه دوم، «خانواده پژوهندگان علم حقوق» در سطر اول صفحه دوم، «عرضه دارند» در سطرهای ۲۲ و ۲۳ صفحه سوم، «زیرپوستی‌اند» در سطر ششم صفحه ۱۶۹، «قراین متضاد استنباط‌هایش» در سطر هشتم صفحه ۳۲۰، «گوناگونی‌اند» در سطر اول صفحه ۳۲۱، «متعارفی‌اند» در سطر دوازدهم صفحه ۳۴۰، «روان‌تنی‌اند» در سطر سوم صفحه ۳۸۹، و ...

در چاپ اخیر نیز نمونه‌هایی از این موارد وجود دارد، نظیر عبارت «زیرپوستی‌اند» در سطر دوم صفحه ۱۷۰، «متعارفی‌اند» در سطر چهاردهم صفحه ۳۲۳ و ...

۳. اشکال دیگر سرهم‌نویسی کلمات، حروف، و علائم است که برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

«کارشناسیها» در صفحه دوم، «سالهاست» و «گرایش‌های» در صفحه سوم، «بدان» در صفحه ۲۳، «دستپاچگی» در صفحه ۲۷، «بخش‌های» در صفحه ۴۰، «بدین» در صفحات متعدد نظیر ۴۲، ۸۳، ۹۴، ۳۲۱، «بایگانیها» در صفحه ۱۱۰، «چینه‌های» در صفحه ۱۱۱، «همچنین» و «جنبش‌های» در صفحه ۱۱۸، و ...

در چاپ اخیر این کتاب نیز ایراد یادشده مرتفع نگردیده است که در این باره می‌توان برای نمونه به موارد زیر اشاره کرد:

«بدین» در سطر آخر صفحه ۹۹، «همچون» در سطر نهم صفحه ۱۱۱، «تصادف‌های» در سطر ۲۵ صفحه ۱۳۶، «خودزنیهای» در سطر پانزدهم صفحه ۱۳۷، «طناب‌های» در سطر سوم و «خفگیها» در سطر نوزدهم صفحه ۱۵۲، «بدین» در سطر پانزدهم صفحه ۲۰۳، «بدین» در سطر هفتم و «سرشکستگیهای» در سطر پنجم صفحه ۳۰۹، و «آسایشگاه‌های» در سطر یازدهم صفحه ۳۱۰ (صبری ۱۳۸۲: ۲۵۱).

۴. استفاده نکردن یا کاربرد نادرست علائم مانند ویرگول و نقطه پس از کلمات، عبارات، و جملات که در صفحات گوناگون کتاب‌اعم از چاپ ارزیابی شده و چاپ اخیر (در هر دو کتاب) وجود دارد. مواردی از ایرادهای چاپ چهارم عبارت‌اند از:

اول، مواردی که ویرگول‌گذاری نشده‌اند، مانند: پس از کلمه «بنابراین» در سطر نوزدهم صفحه ۳۰، در سطر هشتم صفحه ۳۷، در سطح پنجم صفحه ۱۱۰، در سطر ششم صفحه ۲۶۵، در سطر پنجم صفحه ۳۴۰، و ... پس از «به عبارت دیگر» در سطرهای اول و هشتم صفحه ۳۰، در سطر چهارم صفحه ۳۳۶، و ... بعد از کلمه «لذا» در سطر هشتم صفحه ۲۳، در سطر نوزدهم صفحه ۱۸۲، در سطر پانزدهم صفحه ۲۹۲، در سطرهای هفتم و هجدهم صفحه ۲۹۳، در سطر اول صفحه ۴۱۶، و ...

هم‌چنین، به‌دنبال واژه‌ها، عبارت‌ها، و جمله‌هایی هم‌چون «مطرح است» در سطر دوم صفحه پنجم، «امتناع نماید» در سطر ششم صفحه ۲۲، «مطلوب نیست» در سطر ۲۲ صفحه ۳۰، «پذیرد» در سطر دهم صفحه ۳۲، «به هر صورت» در سطر یازدهم صفحه ۳۷، «موارد مذکور» در سطر دوم صفحه ۴۰، «افقی است» در سطر دوازدهم صفحه ۱۵۳، «پرداخته‌ایم» در سطر هفدهم صفحه ۲۲۳، «آنچه گفته شد» در سطر سیزدهم و «محاسبه نمایند» در سطر چهاردهم صفحه ۲۶۵، «اشاره شد» در سطر پنجم صفحه ۲۶۹، «پس» و «که» در سطر سوم صفحه ۲۷۳، «شروع می‌شود» در سطر هجدهم صفحه ۲۸۴، «قرار گیرد» در سطر پنجم صفحه ۳۱۲، «به عبارت دیگر» در سطر چهارم صفحه ۳۳۶، «بیرون است» در سطر یازدهم صفحه ۳۳۹، و ...

این اشکال در چاپ کنونی نیز وجود دارد که اینک مواردی برای نمونه می‌آید: «عقلانی است» در سطر هفتم صفحه یازدهم، «شایان ذکر است» در سطر هفتم صفحه ۲۴، «بررسی» در سطر هفدهم صفحه ۲۴، «دارد» در سطر هشتم صفحه ۳۲، «در اصل» در سطر چهارم صفحه ۸۲، «قانونی» در سطر سوم صفحه ۱۱۱، «قفل است» در سطر دهم صفحه ۱۳۷، «حادث شود» در سطر یازدهم صفحه ۱۵۲، «جرح» در سطر سوم و «که» در سطر هفتم و «که» در سطر یازدهم صفحه ۲۰۳، «گفته شد» در سطر ۲۱ صفحه ۲۸۸، «در کشور ما» در سطر نهم صفحه ۲۹۸، و «نباشد» در سطر بیستم صفحه ۳۱۱. در چاپ جدید، پس از کلمه «نمی‌برد» در سطر پانزدهم صفحه ۲۵، در آخر سطرهای چهاردهم و شانزدهم صفحه ۲۸۸، در آخر سطرهای نهم، دهم، یازدهم، و دوازدهم تا شانزدهم در صفحه ۳۰۱، و ... دوم، مواردی که باید نقطه به ویرگول تبدیل شود، مانند پس از فعل «نمی‌برد» در سطر شانزدهم صفحه ۲۳، «نمایند» در سطر چهاردهم صفحه ۱۳۶، «ممکن است»، «یا این‌که» در سطر هفتم صفحه ۲۷۶، «درست نیست» در سطر هشتم صفحه ۳۲۰، و ... (صبری ۱۳۸۲: ۳۳۲-۳۳۵؛ کاخی ۱۳۷۸: ۱۹۹؛ غلامحسین‌زاده ۱۳۷۹: ۳۳-۴۳؛ سمیعی ۱۳۷۸: ۲۲۸؛ امینی ۱۳۷۸: ۱۳۵).

۵. در نگارش متن کتاب گاه کلمات ترکیبی استفاده شده است که محل ایراد است مانند ترکیب «چرا» و «که» (چراکه) در سطر پنجم صفحه ۲۳، سطر ۲۱ صفحه ۴۱، سطر دوم صفحه ۸۳، سطر ششم صفحه ۲۷۶، و سطر هشتم صفحه ۴۰۴ که بهتر بود از کلمه «زیرا» استفاده می‌شد.

ترکیب «بدین» و «سان» (بدین‌سان) در سطر هجدهم صفحه ۸۳، که به جای آن می‌توان از عبارت «به این شکل»، یا «به این گونه» و مانند آن بهره جست.

۶. در متن کتاب گاه از واژه‌ها یا عباراتی استفاده شده است که در گویش و نگارش کنونی بسیار اندک به کار می‌رود. مانند «نواحی خطا» در سطر سوم صفحه ۶۱، «واجد ایجاز» در سطرهای نهم و دهم صفحه ۲۲۲، «تجنن» در سطر نوزدهم صفحه ۳۳۷، و ... این ایراد در چاپ اخیر نیز وجود دارد که به ترتیب در سطر دوم صفحه ۶۳، سطر نهم صفحه ۲۲۴، و سطر نوزدهم صفحه ۳۲۰ قابل مشاهده است. البته، این چند مورد به‌عنوان نمونه بیان شده است و به‌منزله محدود بودن به این‌ها نیست.

۷. در صفحاتی از کتاب عبارات و جملاتی آورده شده است که از لحاظ نگارشی نیازمند بازنگری و اصلاح است، مانند سطرهای سوم و چهارم صفحه ۲۳، پاراگراف آخر صفحه ۲۱۶، پاراگراف سوم صفحه ۳۱۳، و ...

در چاپ اخیر نیز این اشکال برطرف نشده است و به ترتیب در ابتدای صفحه ۲۵، پاراگراف آخر صفحه ۲۱۸، و ابتدای صفحه ۲۱۹، پاراگراف آخر صفحه ۲۷۵ و ... آمده است. ۸. ضرورت تبدیل نقطه در سطرهای متن یا در انتهای عبارات در صفحات متعدد در چاپ اول (۱۳۸۴) و در چاپ اخیر (۱۳۹۳) ایراد دیگری است که قابل توجه است، مانند صفحات ۲۴، ۳۷، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷-۴۸، ۷۶، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۱۶، ۲۵۷، ۲۶۴، ۳۰۲، ۴۰۷، ۴۰۸، و ...

۹. اصولاً، در هنگام ارائه تعریف درباره یک موضوع دیدگاه علمی صاحب نظر، متن یک ماده و مقرر قانونی، نگرش دینی به مقوله یا رفتار و مانند آن، توضیح درباره یک مطلب، و طبقه‌بندی موضوعات باید بیانی استفاده شود. در این کتاب موارد متعددی وجود دارد که این اقدام صورت پذیرفته است و از این حیث، این متن مستلزم اصلاح است که در این زمینه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

پس از جمله «عبارت است از» در سطر چهاردهم صفحه ۴۰، سطر سوم صفحه ۶۱، سطر هجدهم صفحه ۳۲۰، سطر پنجم صفحه ۳۲۱، سطر ششم صفحه ۳۰۶، و بعد از کلمه «مانند» در سطر سوم صفحه ۶۳، و به دنبال کلمات «اولاً و ثانیاً» در سطرهای سوم و چهارم صفحه ۲۷۳، ...

۱۰. کاربرد اول شخص مفرد و جمع در این اثر به جای سوم شخص ایراد قابل توجه دیگری است که باید رفع شود. اشکال یادشده به صورت پراکنده و متعدد قابل مشاهده است که فقط به مواردی از آن اشاره می‌شود. «خواهیم پرداخت» در سطر آخر صفحه هجدهم، «می‌دانیم» در سطر سوم صفحه ۴۰، و در سطر پانزدهم صفحه ۱۱۱، و در سطر هفتم صفحه ۱۲۶، «کنیم» در سطر اول صفحه چهل و دوم، «گردیم» در سطر هفتم صفحه ۱۰۹، «می‌شویم» در سطر نوزدهم صفحه ۱۰۶، «می‌پردازیم» در سطر پنجم صفحه ۲۰۸، و سطر هجدهم صفحه ۲۲۳، «پرداخته‌ایم» در سطر هفدهم صفحه ۲۲۳، و ...

در چاپ جدید نیز این ایراد به چشم می‌خورد که مواردی از آن برای نمونه عبارت‌اند از: «می‌نماییم» در سطر هجدهم صفحه هفتم، «خواهیم پرداخت» در سطر چهاردهم صفحه بیستم، «بحث ما» در سطر ششم صفحه ۲۱، «اشاره کنیم» در سطر ۲۳ صفحه ۴۳، «می‌کنیم» در سطر هجدهم صفحه ۲۲۵، و ...

۱۱. مورد دیگری که شایان ذکر است نگارش فراوان فعل‌های ناقص در این متن است. اکنون نمونه‌هایی از آن بدون توجه به سطرها و فقط با بیان افعال و صفحات مربوط ارائه می‌شود:

فعل «شده» در صفحات ۲۷، ۴۱، ۵۱، ۵۳، ۱۱۰، ۱۱۸، ۲۶۴، ۲۷۷، ۳۸۹، و ...

فعل «داده» در صفحات ۲۲، ۳۰۵، ۳۴۰، و ...

افعال «دیده» در صفحه ۴۱، «صادرشده» در صفحه ۴۵، «یافته» در صفحه ۱۱۰، «ازدست داده» در صفحه ۱۱۹، «کرده» در صفحه ۱۳۶، «گردیده» در صفحه ۲۳۳، «داشته» در صفحه ۲۷۶، «مانده» در صفحه ۲۸۴، و ...

۱۲. تکرار زیاد برخی واژه‌ها ایراد دیگری است که کلمات «لذا»، «عدم»، «هنگام»، و «هنگامی» از آن جمله‌اند. از کلمه «لذا» در صفحات ۲۳، ۲۵، ۸۲، ۱۲۳، ۱۸۲، ۱۹۰، ۲۷۳، ۲۹۴، ۴۰۶، ۴۱۱، ۴۱۶، ۴۲۳، و ... استفاده شده است.

از واژه «عدم» نیز در صفحات گوناگون مانند ۱۳، ۲۳، ۵۳، ۵۸، ۵۹، ۲۷۶، ۳۳۸، و ... استفاده شده است.

واژه‌های «هنگام» و «هنگامی» هم به صورت مکرر در نگارش متن کتاب مورد توجه نویسندگان محترم واقع شده است. صفحاتی مانند ۹، ۲۲، ۲۳، ۳۲، ۳۵، ۹۳، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۱۶، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۲، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۸، ۲۶۸، ۲۸۳، ۲۹۳، ۲۹۷، ۳۱۲، ۳۲۰، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۲، ۳۸۶، ۳۹۵، ۴۰۱، ۴۰۵، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۵، ۴۱۷، ۴۱۹، و ...

گاه در یک صفحه چندمرتبه از این واژه‌ها نام برده شده است، مانند صفحات ۱۰۴، ۱۵۰، ۱۵۷، ۴۰۳، ۴۰۵، ۴۱۰، و ...

۱۳. لحاظ عبارات عامیانه مانند «ندانم کاری» و «دست‌پاچگی» در صفحه ۲۷ یا واژه‌ها و اصطلاحات غیرفارسی نظیر «سیستم» و «تکنولوژی» در صفحه ۴۱ نکته دیگری است که اصلاح آن‌ها می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

۱۴. در توضیح و گاه در طبقه‌بندی مطالب از تیره (-) به جای اعداد استفاده شده است، که بدون تردید جای‌گزین اعداد مناسب‌تر خواهد بود. در این باره، می‌توان به صفحات ۲۱، ۲۴، ۳۱، ۳۴، ۳۵، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۸۷، ۱۸۸، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۹، ۳۶۰، و ۳۸۶ در چاپ اول کتاب اشاره کرد.

هم‌چنین صفحات ۲۶، ۲۷، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۹۳، ۳۰۱، ۳۰۲، و ۳۰۷ در چاپ اخیر.

ضرورت دارد که در این جا به نکته‌ای مثبت نیز اشاره شود و آن این است که پاره‌ای از ایرادهایی که در چاپ نخست وجود داشت در اثر جدید بسیار کم‌تر شده است، مانند استفاده کم‌تر از افعال ناقصه یا کم‌تر شدن استفاده از دو نقطه بیانی در مقابل عنوان‌ها.

نیز سخن به میان آید و حال آن که در این فهرست چنین عنوانی وجود ندارد؛ بنابراین، این قید و اساساً تکرار عنوان زیرمجموعه مقدمه ضرورتی ندارد. شایان ذکر است که این ایراد در فهرست چاپ اخیر برطرف شده است.

۲. عنوان بخش اول «اخلاق پزشکی» است، در حالی که در زیرمجموعه آن از عناوینی یاد شده که ارتباط مفهومی کامل و فراگیری با اخلاق پزشکی ندارند؛ مانند:

یک: مسئولیت پزشکان؛

دو: مرگ مغزی؛

سه: مفاهیم حقوق شایع در طب قانونی.

گفتنی است که این ایراد نیز در فهرست چاپ اخیر با افزودن عبارت «و حقوق پزشکی» اصلاح شده است.

۳. ضرورت اصلاح عنوان بخش دوم است. عنوان این بخش «مرگ‌شناسی و آسیب‌شناسی قانونی در مرگ‌ها» است که جای‌گزین کردن عنوان دیگری مانند «آسیب‌شناسی قانونی مرگ»، «مرگ و آسیب‌شناسی قانونی آن» ناگزیر خواهد بود. در چاپ جدید نیز این عنوان بدون اصلاح در فهرست لحاظ شده است.

۴. وجود عنوان‌های متعدد در متن و فقدان آن‌ها در فهرست مطالب. اصولاً می‌بایست مطابقت کامل و دقیقی میان عنوان‌های یادشده در فهرست مطالب و به‌کاررفته در متن وجود داشته باشد؛ به‌گونه‌ای که حتی از حیث نشانه‌های ویرایشی (نقطه، ویرگول، و ...) نیز وجود این هماهنگی ضروری است؛ اما در موارد زیادی این نکته رعایت نشده است.

از جمله عنوان‌های موجود در متن که در فهرست مطالب ذکر نشده است عبارت‌اند از:

یک: تاریخچه و اهمیت اخلاق پزشکی، صفحه ۱۶؛

دو: پزشک به‌عنوان مطلع، صفحه ۲۱؛

سه: شرایط رضایت‌نامه معتبر، صفحه ۳۴؛

چهار: سردی جسد، صفحه ۸۴؛

پنج: کبودی نعش، صفحه ۸۵؛

شش: نکات کاربردی، صفحه ۸۶؛

هفت: جمود نعش، صفحه ۸۸؛

هشت: جمود نعش آنی، صفحه ۹۰؛

- نه: فساد نعشی یا گندیدگی جسد، صفحه ۹۰؛
ده: مومیایی‌شدن، صفحه ۹۵؛
یازده: گزارش معاینه جسد و طریقه تنظیم آن، صفحه ۱۰۴؛
دوازده: کالبدگشایی سفید، صفحه ۱۰۵؛
سیزده: سالم‌ماندن اجساد به‌طور طبیعی، صفحه ۱۰۶؛
چهارده: نبش قبر، صفحه ۱۰۷؛
پانزده: ناخن‌ها، صفحه ۱۲۵؛
شانزده: خفگی، صفحه ۱۲۹؛
هفده: سنکوب، صفحه ۱۳۰؛
هجده: شوک چگونه رخ می‌دهد، صفحه ۱۳۱؛
نوزده: کما، صفحه ۱۳۲؛
بیست: خودکشی، صفحه ۱۳۳؛
بیست‌ویک: تفاوت خودکشی با جنایت، صفحه ۱۳۴؛
بیست‌ودو: راه‌های خودکشی با جنایت، صفحه ۱۳۴؛
بیست‌ودو: راه‌های خودکشی، صفحه ۱۳۶؛
بیست‌وسه: مسئله وراثت از نظر تعیین وارث در مرگ‌های دسته‌جمعی، صفحه ۱۳۷؛
بیست‌وچهار: صاعقه‌زدگی، صفحه ۱۶۶؛
بیست‌وپنج: وجه تشابه و وجوه افتراق بین دیه و ارش، صفحه ۲۳۴؛
بیست‌وشش: انواع پرده بکارت، صفحه ۲۸۳؛
بیست‌وهفت: تعیین تاریخ ازاله بکارت، صفحه ۲۸۵؛
بیست‌وهشت: ترمیم و دوختن بکارت، صفحه ۲۸۶؛
بیست‌وننه: سایکوز، صفحه ۳۲۰؛
سی: نوروزها یا اختلالات عصبی خفیف، صفحه ۳۲۰؛
سی‌ویک: اختلال شخصیت، صفحه ۳۲۰؛
سی‌ودو: عقب‌افتادگی ذهنی، صفحه ۳۲۱؛
سی‌وسه: اختلال‌های کنترل تکانه، صفحه ۳۲۲؛
سی‌وچهار: اختلال‌های روان‌تنی، صفحه ۳۲۲؛

این اشکال در چاپ کنونی نیز وجود دارد که برای مثال فقط به چند مورد اندک اشاره می‌شود:

یک: تاریخچه پزشکی قانونی در ایران، صفحه ۱۴؛

دو: تاریخچه و اهمیت اخلاق پزشکی، صفحه ۱۸؛

سه: شرایط رضایت‌نامه معتبر، صفحه ۳۶؛

چهار: مواردی بدون لزوم رضایت معاینه‌شونده، صفحه ۳۶؛

پنج: گزارش معاینه جسد و طریق تنظیم آن، صفحه ۱۰۶؛

شش: کالبدگشایی سفید، صفحه ۱۰۷؛

هفت: مومیایی کردن اجساد، صفحه ۱۰۷؛

هشت: سالم ماندن اجساد به‌طور طبیعی، صفحه ۱۰۸؛

نه: نیش قبر، صفحه ۱۰۹؛

ده: یافته‌های معاینه جسد و کالبدگشایی، صفحه ۱۷۰؛

یازده: ضایعات موضعی ناشی از سرما، صفحه ۱۷۱؛

دوازده: قابلیت حیات داشتن، صفحه ۲۵۵؛

سیزده: یافته‌های تولد نوزاد زنده، صفحه ۲۵۵؛

۵. در عنوان فصل دوم از بخش سوم از عبارت «غوطه‌ورشدن» همراه با «غرق‌شدگی» نام برده شده است، درحالی‌که در عنوان‌های زیرمجموعه این فصل فقط عبارت «غرق‌شدگی» آمده است که نشان‌دهنده مترادف بودن عبارت «غوطه‌ورشدن» است؛ همان‌گونه‌که در تعریف آن نیز این موضوع به‌خوبی قابل مشاهده است. بنابراین، می‌بایست عبارت مترادف حذف شود.

۶. عنوان فصل اول از بخش چهارم «تعاریف ضرب و جرح» است، اما در متن کتاب فقط یک تعریف در این باره ارائه شده است و از این حیث، این عنوان با متن مطابقت ندارد.

۷. عنوان فصل سوم بخش یادشده به «صدمات ناشی از اجسام پرنده و سلاح‌های سرد» اختصاص یافته است و در زیرمجموعه این فصل از واژه «جراحت» استفاده شده است. از نظر مفهومی، صدمه اعم از جراحت است و نمی‌توان آن را فقط در مورد جراحت به‌کار برد. بنابراین، می‌بایست در عنوان به‌جای کلمه «صدمه» از کلمه جراحت یا در عنوان‌های بعدی از کلمه «صدمه» به‌جای واژه «جراحت» استفاده شود.

موارد یادشده در بندهای ۵، ۶، و ۷ در چاپ اخیر نیز وجود دارد که مستلزم اصلاح خواهد بود.

۸. صرف‌نظر از آن‌که در عنوان بخش پنجم و فصل اول آن از اصطلاح «حاملگی» نام برده شده است و در ادامه، فقط اصطلاح «سقط» مورد توجه واقع شده است، از آن‌جاکه سقط جنین فرع بر مرحله بارداری است و در قانون مجازات اسلامی نیز اصطلاح «سقط» به‌عنوان رفتاری مجرمانه است و «جنین» از حیث موضوع و طرف این رفتار لحاظ گردیده است، می‌بایست واژه «حاملگی» حذف شود و فقط به کلمه «سقط» بسنده گردد. این ایراد در چاپ کنونی نیز برطرف نشده است و اشکال گفته‌شده به قوت خود باقی است (حکمت ۱۳۶۹: ۲۷).

۹. در عنوان و زیرمجموعه فصل چهارم از بخش ششم کتاب ایرادهایی وجود دارد که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

یک) عنوان این فصل «تعاریف حالت‌های روانی» است که بهتر بود لفظ مفرد «تعاریف» در عنوان لحاظ می‌شد؛

دو) در زیرمجموعه این فصل واژه‌ها و اصطلاحاتی ذکر شده است که حالت محسوب نمی‌شوند، بلکه مربوط به اشخاصی است که به این حالت‌ها مبتلا هستند. بنابراین، عنوان فصل با این موارد هماهنگی نخواهد داشت که در نتیجه یا می‌بایست این عنوان‌ها در جای دیگری مطرح و ارزیابی شوند یا از طریق اصلاح عنوان فصل این نقص برطرف شود. عنوان‌های یادشده عبارت‌اند از:

نخست: مجنون، در صفحه ۳۳۶؛

دوم: دیوانه، در صفحه ۳۰۷؛

سوم: محجوب، در صفحه ۳۰۸؛

چهارم: غیررشید، در صفحه ۳۴۲؛

۲.۲.۲.۳ ایرادهای متن

مهم‌ترین اشکال‌هایی که در این کتاب از حیث ماهیتی قابل‌طرح‌اند فهرست‌وار بیان می‌شود:

۱. در سطرهای پنجم و ششم پاراگراف صفحه سوم (مقدمه) آمده است که جدیدترین اصول و مبانی پزشکی قانونی مورد استفاده حقوق‌دانان در این کتاب عرضه شده است،

در حالی که مباحث مطرح شده مفیدند و کاربرد نیز دارند، اما مندرجات آن به منزله جدیدترین اصول و مبانی نیستند.

۲. استناد به موادی از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ در بررسی موضوعات مختلف، به علت نسخ قانون مزبور و اجرای قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ فاقد اعتبار است و می بایست اصلاح گردد. از جمله این استنادات عبارت‌اند از:

الف) استناد به ماده ۲۹۵ در موضوع انواع قصور پزشکی در صفحه ۲۶؛

ب) مستندقراردادن مواد ۵۹، ۶۰، ۳۱۹، و ۳۲۲ در مقوله (مواردی که رضایت معاینه‌شونده لزومی ندارد)، در صفحات ۳۵ و ۳۶؛

ج) لحاظ مواد ۴۸۰ تا ۴۸۵ در ارتباط با آسیب‌های ناشی از تصادف رانندگی، در صفحات ۲۰۲ تا ۲۰۴؛

د) استناد به موادی از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ در مبحث تطبیق با قانون مجازات اسلامی در صفحات ۲۰۲ تا ۲۰۴؛

ه) توجه کردن به مواد قانونی مربوط به موضوعات ارش (دیة غیرمقدر) و دیات نقص عضو، در صفحات ۲۳۲ تا ۲۳۶؛

۳. از مهم‌ترین ایرادهای ماهیتی متن ارائه تعاریف درباره تعدادی از واژه‌ها و اصطلاحات است که از جهات گوناگون نقص دارد یا قابل قبول نیست. این جهات عبارت‌اند از:

الف) ناقص و نارسا بودن برخی از تعاریف؛

ب) بسنده کردن به تعریف لغوی در مورد تعدادی از واژه‌ها و اصطلاحات؛

ج) مطابقت نداشتن مواردی از تعاریف بیان‌شده با تعاریف قانونی آن (اعم از قانون سابق و لاحق)؛

د) فقدان مستندات قانونی درباره تعدادی از واژه‌ها و اصطلاحات مطرح شده؛

ه) استفاده نکردن از عبارات متون مربوط به اقوال، تعاریف، و دیدگاه‌های فقهی در بیان مفاهیم و تعاریف اصطلاحات؛

درباره بسیاری از این واژه‌ها مفهوم دقیق و تعریف مطلوب حقوقی ارائه نشده است که بدون تردید ایرادی مهم و قابل توجه است. عناوینی مانند اخلاق حسنه، اراده، ارش، التزام، اولویت، بینه، تعزیر، تعلیق، جرم، جنایت بر نفس و اطراف، حقوق، خلاف، دیه، کودک‌آزاری، رجم، سب، صیغه، شروع به جرم، شخصیت، و ...

در مورد برخی از واژه‌ها و عنوان‌ها، فقط به ارائه تعریف لغوی از آن‌ها بسنده شده است و مفهوم کامل‌تری درباره آن‌ها بیان نگردیده است که برای مثال می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

التزام، اولویت، تخطی، تعلیق، جعل، زن متعه، زانی، زانیه، سب، صدق، ضابط عدلیه، شارع، شاکي، ممسوح، منشور، منطوق، نفی بلد، نظام‌نامه، و اخواست؛

موارد متعددی از واژه‌های مطرح‌شده در فصل ششم تعاریف قانونی یا فقهی دارند، اما درباره آن‌ها این تعاریف لحاظ نشده است و مطابقت کامل یا قابل توجهی میان این تعاریف با تعاریف قانونی یا فقهی وجود ندارد. از جمله مهم‌ترین عنوان‌ها و اصطلاحات مزبور عبارت‌اند از: تعزیر، تسبیب، تعلیق، جعل، جنایت، دفاع مشروع، ديه، سب، صغیر، شهادت، شاهد، شروع به جرم، مساحقه، نفقه؛

تقریباً تمامی عنوان‌هایی که مستندات قانونی دارند بدون ذکر مواد قانونی مربوط بررسی شده‌اند که برای مثال فقط به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. موارد یادشده عبارت‌اند از:

ابلاغ، اجرا، اهلیت تمتع، اهلیت استیفاء، اناطه، ارش، اقاله، بی‌مبالاتی، بی‌احتیاطی، تأمین دلیل، تعزیر، تعقیب، تعلیق، تسبیب، توقیف، تدلیس، تقصیر، جرح، جعل، حرز، دادخواست، داور، درخواست، دعوی، دفاع مشروع، صلاحیت، رشد، رسیدگی، رشید، راشی، رویه قضایی، سب، شاهد، شهادت، شروع به جرم، شجاج، صغیر، ضمان جریره، طلاق، قاذف، اقرار، قسامه، لوث، مختلس، مرتشی، مضطر، مطلع، مفلس، مفتری، موصی‌به، موصی‌له، نکاح، نشوز، نفقه، و اخواست، وجه‌الضمان، وجه‌التزام، ورقه جلب، وکالت، ولی‌دم، هتک حرز؛

در نهایت، این که تعداد زیادی از عنوان‌ها و واژه‌هایی که در این فصل تعریف آن‌ها ارائه شده است، صرف‌نظر از دیدگاه‌های حقوقی و قانونی، جایگاه فقهی دارند که در مورد آن‌ها اقوال و تعاریف گوناگونی ابراز شده است، اما متأسفانه این مقوله در این اثر لحاظ نشده است که کمبودی بسیار قابل توجه به‌شمار می‌رود. تعدادی از این واژه‌ها عبارت‌اند از:

ارش، اهلیت، اقاله، تعزیر، تسبیب، تعارض، تعدی، ترکه، تدلیس، تعهد، تمییز، تمثیل، تقبیل، جنایت، جهل، حمل، حیض، حرز، حضانت، حق‌الله، حق‌الناس، حکومت، خیار، دخول، ديه، دین، ذمه، رتق، رجم، رجوع، رساله عملیه، رشد، رضا، زانی و زانیه، صحت، صحیح، صغیر، شبهه، شرع، شک، صلح، ضامن جریره، طلاق (و انواع آن)، طهر، ظن، عاقله، عاریه، عادت، عنف، فراش، عطب، فسق، فضولی، فلس، قرابت (و انواع آن)، لعان،

لوث، مباح، مترادف، متعدد، مجنون، مرتد، محرم، مساحقه، مکروه، منطوق، مهریه، ناشز و ناشزه، نسب، نحله، نسل، نص، نفقه، نکاح، نکول، نفی ولد، واجب (و اقسام آن)، نهی (و اقسام آن)، ولایت (و اقسام آن)؛

در پایان این قسمت توجه به سه نکته ضروری است:

۱. به علت آن که شرح مصادیق یادشده در بندهای پیشین سبب فزونی متن حاضر می‌شد، بنابراین از این اقدام صرف نظر شد و فقط به ذکر موارد و عنوان‌ها اکتفا شده است.
۲. درباره اشکال‌های ماهیتی نکات دیگری نیز وجود دارد که در مقایسه با مطالب مطرح شده اهمیت کم‌تری دارند و به همین علت از بیان آن‌ها امتناع شده است.
۳. عمده اشکال‌های ماهیتی وارد شده بر این اثر در چاپ اخیر آن وجود دارد و برطرف نشده است.

۴. نتیجه‌گیری

بر اساس ارزیابی‌های شکلی و ماهیتی‌ای که درباره این اثر صورت گرفته است نقاط قوت و ضعفی به چشم می‌خورد که نیازمند توجه است. از جمله نقاط مثبت شکلی می‌توان به چگونگی صفحه‌آرایی، فاصله مناسب سطرها، حجم منطقی مطالب کتاب، و مطابقت آن با واحد درسی مقطع کارشناسی رشته حقوق اشاره کرد. از حیث ماهیتی نیز طرح مباحث کاربردی پزشکی قانونی مرتبط با حقوق، به‌ویژه حقوق جزا، گردآوری و بررسی تعدادی از واژه‌ها و اصطلاحات مفید و کاربردی برای قضات، استادان، و دانشجویان قابل توجه است. به‌علاوه، این اثر ایرادهای شکلی و ماهیتی نیز دارد. مهم‌ترین آن‌ها که می‌بایست بازنگری و اصلاح شوند عبارت‌اند از: اشکال‌های نگارشی، ویرایشی، و دستوری متن. از جمله ضرورت اصلاح برخی عبارات و واژه‌های مورد استفاده، نقایص موجود در فهرست مطالب مانند نادرست بودن پاره‌ای از عناوین به‌لحاظ جمله‌بودن آن‌ها، مطابقت‌نداشتن برخی از عناوین اصلی با زیرمجموعه آن‌ها، فقدان ربط منطقی در مواردی از عنوان‌ها و بخش‌های فهرست، وجود عنوان‌هایی در متن که در فهرست مطالب ذکر نشده‌اند. هم‌چنین، وجود ایراد در چگونگی ارائه برخی از پانوشته‌ها، فقدان نتیجه‌گیری یا جمع‌بندی مطالب، ضعف در استناد به ضوابط و مقررات قانونی مکمل در تحلیل بعضی از مباحث مطرح شده و مواردی از طبقه‌بندی موضوعات حقوقی ذکر شده، از جمله اشکال‌هایی هستند که برطرف کردن آن‌ها ضروری است.

کتاب‌نامه

آیین‌نامه اجرایی قانون پیوند اعضای بیماران فوت‌شده یا بیمارانی که مرگ مغزی آنان مسلم است (۱۳۸۱).

امینی، سیدکاظم (۱۳۷۸)، آیین نگارش مکاتبات اداری، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

انصاری، ولی‌الله (۱۳۸۰)، کشف علمی جرائم، تهران: سمت.

حکمت، سعید (۱۳۶۹)، پزشکی قانونی و اخلاق پزشکی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

دستورالعمل اجرایی قانون سقط‌درمانی (۱۳۸۴).

سمیعی گیلانی، احمد (۱۳۷۸)، نگارش و ویرایش، تهران: سمت.

صبری، نورمحمد (۱۳۸۳)، درآمدی بر روش تحقیق در حقوق، تهران: میزان.

غلامحسین‌زاده، غلامحسین (۱۳۷۹)، راه‌نمای ویرایش، تهران: سمت.

کاخی، مرتضی (۱۳۷۸)، شیوه نگارش، تهران: امیرکبیر.

کیانی، مهرزاد و فرامرز گودرزی (۱۳۹۳)، پزشکی قانونی برای دانشجویان رشته حقوق، تهران: سمت.

قانون پیوند اعضای بیماران فوت‌شده یا بیمارانی که مرگ مغزی آنان مسلم است (۱۳۷۹).

قانون سقط‌درمانی (۱۳۸۴).

قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲).